

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
A Reflection on Environmental Quality and Meaning
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تأملی در کیفیت و معنی محیط*

سارا رحمانی**^۱، حمید ندیمی^۲

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۲ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۸ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۲/۰۱

چکیده

مسیر کیفیت بخشی به محیط با تلاش برای ارتقاء معنی آن گره خورده است. عوامل معناشناسانه برای ارزیابی کیفیت محیط به کار می‌روند و شاخص‌های دو تصور «کیفیت» و «معنی» دارای هم‌پوشانی هستند، اما تنوع زاویه دید نظریه پردازان به این دو تصور موجب شده که برخی معنی را یکی از شاخص‌های کیفیت برشمارند، در حالی که دیگران کیفیت را فقط برون داد وجه ظاهری معنی بخوانند. این موارد باعث ایجاد ابهام در تعیین رابطه بین وجوه این دو مفهوم شده و توافق روی آنچه بدان معنی یا کیفیت اطلاق می‌شود را دشوار کرده است. هدف این پژوهش، روشن کردن نقاط افتراق و اشتراک وجوه و عوامل دو تصور معنی و کیفیت و تعیین رابطه و نسبت آن دو با هم است تا بتوان در نظریه پردازی و روند نقد معماری روی این دو مفهوم پایه‌ای به تفاهم رسید. پژوهش با روش استدلال منطقی، چهارچوب کلی واحدی را بر اساس روند مواجهه انسان با محیط تعریف می‌کند که در آن، جایگاه هر یک از دو تصور معنی و کیفیت تبیین می‌شود. همچنین با روش تحلیل متن و کدگذاری ادبیات، وجوه شناختی محیط طبقه بندی می‌شود که پایه تطبیق و مقایسه وجوه این دو تصور می‌شود. این دو قالب، پایه‌ای برای جستجو و پاسخ‌دهی به ابهامات موجود در مورد رابطه این دو تصور خواهند شد که در نهایت به ارائه بیانیه می‌انجامد. در روند مواجهه با محیط، معنی در مرحله ادارک و شناخت، اما کیفیت در مرحله قضاوت و ارزیابی قرار می‌گیرد. آنچه به عنوان کیفیت محیط ارزشیابی می‌شود، ظهور بیرونی و نتیجه نهایی شناخت وجوه سه گانه معنی محیط شامل معنی عملکردی، فراعلمکردی و واکنشی است. زمانی که معنی محیط در سطح واکنشی منجر به قضاوت مثبت مخاطب شده و بار عاطفی و ارزشیابانه آن به سمت خوبی میل می‌کند، محیط، باکیفیت یا دارای کیفیت خوب خوانده می‌شود.

واژگان کلیدی: کیفیت، معنی، ادارک، شناخت، ارزیابی.

مقدمه و بیان مسئله

کیفیت بخشی به محیط، از موضوعات اصلی طراحی و مبنای

بسیاری از مباحث نقد و ارزیابی معماری است. به همین ترتیب، معنی محیط نیز از عوامل خلق محیط‌های پاسخگو به نیازها و انتظارات مخاطبان به شمار می‌رود. هر دو مفهوم دارای شاخص‌هایی هستند که روند طراحی و ارزیابی محیط ساخته شده را هدایت می‌کنند. گرچه این دو مفهوم غالباً در زمینه‌های مختلف و با بازه‌های متفاوتی مورد مطالعه

*. این مقاله برگرفته از رساله دکتری سارا رحمانی تحت عنوان «امکان پذیری ارتقای معنی در مسکن حداقل» است که به راهنمایی دکتر حمید ندیمی و دکتر محمود رازجویان و مشاوره دکتر رضا سیروس صبری در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی تهران ارائه شده است.
**. نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۱۵۸۲۰۴۲، srhrahmani@gmail.com

و ابعاد ذهنی و متغیر هر یک نیز بر پیچیدگی آنها افزوده است. در نتیجه، این پژوهش نگرش خود را به کاربرد هر یک در روند ادراک، شناخت و قضاوت فضای معماری محدود می‌کند تا بتواند وجوه آن دو را با هم مقایسه کرده و ابهامی را روشن کند که همواره در استفاده از این وجوه وجود دارد. این مقایسه به معنی معادل خواندن مفاهیم دو تصور کلی معنی و کیفیت نیست، بلکه هدف آن روشن کردن رابطه بین وجوه و شاخص‌های عملیاتی آنهاست که برای گام برداشتن به سمت ارتقاء کیفیت معماری، با توجه به ارتباط تنگاتنگ آن با معنی، ضروری است.

به طور کلی، هدف این پژوهش، تعیین رابطه بین وجوه و عوامل دو مفهوم کیفیت و معنی و تطبیق و مقایسه آنهاست. سؤالاتی که این مطالعه در پی پاسخگویی به آنهاست عبارتند از: ۱. وجوه دو مفهوم کیفیت و معنی چه نقاط تشابه و تفارقی با هم دارند؟ ۲. این وجوه در روند مواجهه با محیط چه جایگاهی دارند؟ ۳. شاخص‌های کیفیت محیط چه ارتباطی با عوامل معناشناسانه داشته و چگونه استفاده از عوامل معناشناسانه برای توصیف و ارزیابی کیفیت محیط توجیه می‌شود.

روش انجام پژوهش

این پژوهش سعی دارد تا رابطه وجوه دو مفهوم کیفیت و معنی را در یک قالب کلی و سامانه‌ای واحد تبیین کند و بدین منظور از روش استدلال منطقی بهره می‌برد (Groat & Wang, 2013: 379). مراحل مواجهه انسان با محیط، از دریافت اطلاعات تا تنظیم رفتار، چهارچوبی منطقی را می‌سازند که جایگاه هر یک از وجوه دو تصور کیفیت و معنی محیط در آن تعیین و مقایسه می‌شوند. همچنین، بر اساس تحلیل متن و کدگذاری ادبیات مربوطه، یک طبقه‌بندی واحد از وجوه شناختی محیط تدوین می‌شود که مقایسه و تطبیق بین وجوه و عوامل کیفیت و معنی را امکان‌پذیر می‌سازد. این دو قالب، پایه‌ای برای جستجو و پاسخ‌دهی به ابهامات موجود در مورد رابطه این دو تصور خواهند شد که در نهایت به ارائه پاسخ می‌انجامد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

• مفهوم و وجوه کیفیت

مفهوم کیفیت دارای دو بُعد عینی و ذهنی است. بعد عینی کیفیت با سیما و ظاهر اثر (فرم‌ها، رنگ‌ها و مصالح) مرتبط دانسته شده که با شاخص‌های فیزیکی قابل اندازه‌گیری است و بعد ذهنی آن به ویژگی‌های خوب، ارزش‌ها و میزان متناسب بودن با هدف مشخص یک چیز دلالت دارد (Marans, 2003: 75 ; Gann, Salter & Whyte, 2003:)

قرار می‌گیرند، اما در زمان کاربرد آنها در معماری به عوامل مشترکی برمی‌خوریم که تصور شباهت و یا حتی یکسان بودن آنها را تداعی می‌کنند. برجسته‌ترین این شباهت‌ها، هم‌پوشانی بین شاخص‌های کیفیت و معنی است که موجب پدید آمدن ابهام در مورد محدوده هر یک و نیز نقاط افتراق و اشتراک آنها شده و معماران را از دستیابی به مفاهیم بازمی‌دارد. برای مثال، بیشتر اوقات برای ارزیابی کیفیت محیط از عوامل معناشناسانه مانند فضا‌مندی، پیچیدگی، شخصیت‌مندی، انعطاف‌پذیری، خوشایندی، برانگیزانندگی و غیره استفاده می‌شود که در اصل برای اندازه‌گیری معنی محیط پیشنهاد شده‌اند (Marans & Spreckelmeyer, 1982: 661; Pena & Parshall, 2001: 216-217; Carmona, 2001: 94-95, 141-142; Gifford et al., 2002: 131 ; Gann, Salter & Whyte, 2003: 322; Cousins, 2009: 5). حتی مطالعات «هرشبرگر» (۱۹۷۴) که به صراحت از این عوامل جهت پیش‌بینی معنی در معماری استفاده کرد، تلاشی برای اندازه‌گیری کیفیت زیباشناختی محیط تفسیر شده است (Marans & Spreckelmeyer, 1982: 655).

ابهام دیگری نیز در تعریف عوامل دو مفهوم کیفیت و معنی ایجاد شده که می‌تواند از زاویه دید نظریه پرداز نشأت گرفته باشد. بسته به اینکه یک محقق به مطالعه و تعیین محدوده کدام تصور می‌پردازد، ممکن است سایر مفاهیم مرتبط را زیرمجموعه آن تصور اصلی قرار دهد. برخی از مطالعاتی که متمرکز بر تعریف شاخص‌های کیفیت بوده‌اند، معنی را یکی از اجزا و عوامل کیفیت معمارانه و یا کیفیت محیط دیده و تصور معنی را متداخل در تصور کیفیت تعریف کرده‌اند (گلکار، ۱۳۷۹: ۱۰-۲۵؛ Van kamp, Leidelmeijer, Marsman & De Hollander, 2003: 7; Van der Voordt, 2009: 19-20; Carmona, 2001: 141-142). از سوی دیگر، تحقیقات معطوف بر تدوین عوامل معناشناسانه، کیفیت یک فرم را به عنوان بخشی از معنی ظاهری آن عنوان می‌کنند (Hershberger & Cass, 1974: 149). حال چنانچه در توضیح ابهام و هم‌پوشانی بین عوامل معنی و کیفیت، به تفاوت در زاویه دید نظریه پردازان مختلف بسنده کنیم، مانند این است که رابطه این دو تصور را مساوی بدانیم. اما در واقع، ذهنیت‌ها از مفهوم معنی و کیفیت و محدوده آنها نیز با هم متفاوت است. زمانی که معنی از شاخص‌های کیفیت محیط خوانده می‌شود، مفهوم معنی به «معنی ذاتی» یا «معنی نمادین» یک عنصر تقلیل داده شده و در مطالعات معنی محیط نیز، تصور کیفیت به وجه ظاهری آن محدود می‌شود. این موضوعات نشان از نبودن توافق روی وجوه معنی و رابطه‌اش با کیفیت دارند. تصورات کلی مانند معنی و کیفیت، حد روشن و دقیقی ندارند

میراث «ویترووویوس» دانسته می‌شود، سه وجه فرم، کارکرد و ساخت، پایه تعریف وجوه و شاخص‌های کیفیت شده است (Cousins, 2009: 6; Van der Voordt, 2009: 17; Pena & Parshall, 2001: 124-129; Rönn, 2011: 106). بدین ترتیب، می‌توان کیفیت را حاصل جمع ارزش‌های محیط در سه لایه فرم، کارکرد و ساخت دانست، اما وحدت و کلیت ناشی از جمع این سه لایه، به کیفیتی منجر می‌شود که فراتر از جمع آنهاست. این ارزش که فراتر از خوب بودن است، به کمال تعبیر شده است (Nelson, 2006: 7; Cousins, 2009: 6). کمال معادل است دور از دسترس به نظر می‌رسد؛ زیرا توجه همه‌جانبه به وجوه و لایه‌های مختلف کیفیت در یک پروژه، نه تنها نیازمند هماهنگی بین طراح و مخاطب، بلکه همکاری بین دست‌اندرکاران متعدد مانند دولت، مقامات محلی، سازندگان و همچنین تأمین‌بودن منابع مالی و در اختیار داشتن زمان کافی نیز هست. به دلیل کیفیت، مفهومی نهایی اما نسبی می‌شود که حد و درجه آن بر اساس پاسخگویی محیط به جمع تمامی وجوه و لایه‌های آن سنجیده می‌شود. به عبارت دیگر کیفیت، مفهومی غایی است و قضاوت ارزشی نهایی یک مخاطب یا ارزیاب را در مورد میزان خوب بودن یک بنا یا اثر نشان می‌دهد.

• مفهوم و وجوه معنی

معنی، همانند کیفیت، دارای مفهومی کلی و گسترده است. به علاوه، رویکردهای متنوع به مطالعه آن نیز امکان تفاهم روی حدود آن را کم می‌کند. به طور کلی معنی، «دلالت هر چیز در ذهن انسان متفکر» تعریف شده (Ogden & Richards, 1994: 15) و با نگرش‌های مختلفی از جمله نگرش‌های عرفانی، فلسفی، منطقی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی و رفتاری مطالعه می‌شود. شباهت بین وجوه معنی و کیفیت محیط در نگرش روان‌شناسانه به معنی و زمینه روان‌شناسی محیطی ایجاد شده است. در این نگرش، به طور کلی «معنی، روندی واسطه‌ای یا وضعیتی ذهنی در رفتار یک انسان (یا حیوان) است که نتیجه ادراک محرک و مقدم بر تولید واکنش است» (Osgood, Suci & Tannenbaum, 1957: 9). در جهت تعریف و پیش‌بینی رفتار انسان، مطالعات این رشته به عملیاتی‌کردن و اندازه‌گیری معنی توسط عوامل معناشناسانه می‌پردازد که در نگرش‌های فلسفی یا زبان‌شناختی از آن احتراز می‌شود. از آنجا که هم‌پوشانی بین عوامل معنی و کیفیت محیط و ابهام حاصله، از همین دیدگاه روان‌شناسانه و تعمیم آن به روان‌شناسی محیطی و معماری نشأت گرفته، مطالعه معنی در این مقاله نیز بر روی آن متمرکز است.

(319-320; Van der Voordt, 2009: 18; Keles, 2012: 25). در تعریف کیفیت‌بخشی معماری، تعبیر زیر قابل ذکر هستند: ارتقاء درجه پاسخگویی طرح به نیازها و انتظارات (Nelson, 2006: 4)؛ چیزی را به سمت بهتر شدن سوق دادن (Ibid: 6)؛ بهتر شدن محیط از طریق طرح و ساختمان پیشنهادی (Rönn, 2011: 104-106) و خوب بودن ویژگی‌ها، مناسب بودن برای یک هدف و پاسخگویی به خواسته‌ها و انتظارات (Van der Voordt, 2009: 18). این تعاریف، بیشتر بر بعد ذهنی کیفیت در تعریف و تعیین لایه‌ها و شاخص‌های آن تمرکز دارند. همچنین آنها تصریح می‌کنند که بعد ذهنی کیفیت، برخلاف بعد عینی آن، دارای بار ارزشی است و به خوب بودن، مثبت بودن، مطلوب و دلخواه بودن، مناسب بودن و ارتقا دلالت دارد. در نتیجه کیفیت، بر اساس اینکه چه شخصی آن را ارزیابی می‌کند، این ارزیابی بر اساس متناسب بودن با چه هدف و انتظاراتی انجام می‌شود و چه چیزی برای ارزیاب، استاندارد، اولویت و ارزش محسوب می‌شود، متفاوت خواهد بود. نمونه آن، تحقیقات روی کیفیت ساختمان‌های اداری است که نشان می‌دهد افراد با نقش‌های مختلف، احساس متفاوتی از کیفیت ساختمان داشته و حدهای متفاوتی از سه عامل کارکرد، اثرگذاری و ساخت را در تولید کیفیت خوب مؤثر می‌دانند (Gann, Salter & Whyte, 2003: 328-329; Marans & Spreckelmeyer, 1982: 662). در کنار ذهنیت‌ها و انتظارات مختلف افراد، وجوه متنوع محیط و شرایط واقعی بیرونی نیز لایه‌ها و وجوه متفاوتی برای کیفیت ایجاد می‌کنند. این شرایط قادرند عوامل حساس و بحرانی را در کیفیت محیط تعریف کنند که هم شرط ضروری خوب بودن یک محیط به حساب آمده و هم موجب کم‌اهمیت‌تر شدن سایر شاخص‌های کیفیت محیط می‌شوند. برای مثال، زیبایی و حس خوشایندی از شاخص‌های کیفیت محیط مسکونی است، اما زمانی که کیفیت در شرایط خاص محیطی مانند مسکن ارزان‌قیمت ارزیابی می‌شود، حساسیت عوامل دیگری مانند امنیت و نبودن ازدحام می‌تواند باعث حذف اثرگذاری فرم و زیبایی بنا بر کیفیت محیط از دید مخاطب شود. مقایسه بین دو مطالعه با هدف تدوین شاخص‌های کیفیت محیط، یکی در محیط مسکونی عام و دیگری در مسکن طبقه کم‌بضاعت، این تفاوت را نشان می‌دهد (Bonaiuto, Fornara & Bonnes, 2003: 43-44; Amerigo & Aragones, 1997: 50). با توجه به اینکه کیفیت، وابستگی بالایی به زمینه فرهنگی و اجتماعی فرد ارزیابی‌کننده و موضوع تحت ارزیابی دارد، تدوین یک قالب فراگیر از وجود کیفیت، دشوار به نظر می‌رسد. برای ارزیابی پروژه‌های متنوع، داوری مسابقات معماری و نیز در روند کنترل کیفیت، نگرش جامع به وجوه کیفیت ضرورت می‌یابد. با توجه به اینکه سرآغاز مفهوم کیفیت در معماری،

درک می‌شود، وجهی شخصی و احساسی می‌یابد که از یک فرد به دیگری تفاوت می‌کند. به دلیل تعمیم و کاربرد بیشتر این رویکرد به معنی، در فهم رابطه بین مخاطب عام و عناصر محیط زندگی روزمره، این مقاله نیز این طبقه‌بندی را مبنای تحلیل قرار می‌دهد.

با وجود تفاوت معنی در محیط‌های متفاوت برای افراد مختلف، برای ثبت توصیف مخاطب از معنی محیط به طوری که برای انواع فضاهای معماری قابل استفاده بوده و برای مخاطبان مختلف نیز قابل فهم باشد، عوامل معناشناسانه پیشنهاد شده‌اند. این عوامل، غالباً بر پایه نظام اولیه سه‌بعدی «آزگود»، «سوشی» و «تاننهام» متشکل از نیرومندی، فعال بودن و ارزیابی بنا شده که به منظور اندازه‌گیری معنی محیط از تحقیق روی ۵۰ جفت صفت‌های دوقطبی از جمله خوشایند/ناخوشایند، متنوع/تکراری و خوانا/مبهم استنتاج شد (Suci, Osgood & Tannenbaum, 1957: 31-46). در این روند اندازه‌گیری معنی، مخاطب یک یا چند عامل را از بین عواملی که به او ارائه می‌شود، به عنوان ارزیابی خود از یک فضا انتخاب کرده و میزان آنها را بر اساس مقیاس مشخصی تعیین می‌کند. بنابراین وی در واقع مشغول قضاوت محیط و تعیین تمایز و تفاوت محیط‌ها با یکدیگر است. برای نمونه، در تحقیق «ریکارد کولر»، ابتدا هشت عامل معناشناسانه مخصوص فضاهای معماری شامل خوشایندبودن، پیچیدگی، وحدت، فضا‌مندی، قدرت، منزلت اجتماعی، اثرگذاری بر عاطفه و اصالت تدوین شده و سپس میزان مطلوبیت هر یک برای انواع فضاها از جمله استودیوی هنری و خانه از دید مخاطب تعیین و با هم مقایسه شده است (Küller, 1973: 184-194). بدین ترتیب عوامل معناشناسانه، هم مفاهیم حساس و متمایز در فضاهای مختلف را تعیین کرده و هم درجه خوب بودن یک محیط را بر اساس میزان هر یک از عوامل، قابل اندازه‌گیری می‌کنند.

به طور کلی، معنی محیط دارای سه لایه عملکردی، فراعلمکردی و عاطفی بوده که ابعاد گوناگون رابطه انسان و محیط شامل ابعاد فیزیکی، اجتماعی و تفاوت‌های شخصی را در بر می‌گیرند. وجود بعد شخصی معنی باعث می‌شود که هم معنی یک فضای مشخص برای افراد مختلف تفاوت کند و هم شناخت معنی محیط، طیفی از تجارب مثبت تا منفی را پدید آورد. اما اندازه‌گیری معنی سعی می‌کند میزان مطلوبیت هر یک از عوامل معناشناسانه در یک نوع محیط مشخص را تعیین کرده و در پیش‌بینی قضاوت مخاطب از محیط به معماران کمک رساند.

نگرش روان‌شناسی محیطی به معنی، خود دارای رویکردهای گوناگونی است که در بین آنها، دو دسته اصلی شناسایی می‌شوند. دسته اول رویکردهایی هستند که معنی را دارای سلسله‌مراتب طولی دیده و برای آن سطوح بالاتری قائلند که دارای ارزش بیشتری از سطوح قراردادی و پایین معنی هستند. دریافت معانی سطح بالا توسط مخاطب ماهر امکان‌پذیر می‌شود، اما در موقعیت و زمینه خاص، مخاطب عام نیز ممکن است معانی سطح بالاتر را ادراک کند. این رویکردها معنی را به دو سطح کلی عملکردی و فراعلمکردی (یا نمادین) تقسیم‌بندی می‌کنند (یونگ، ۱۳۵۲: ۱۶، ۴۷-۴۸؛ Rapoport, 1982: 13, 221-224; Clapham, 2011: 32; Harré, 2002: 32). لایه اول، به معنی سطح پایین و روزمره با اهداف کارکردی اشاره دارد و لایه دوم، دربرگیرنده معانی سطح میانه و سطح بالا با اهمیت، عمق و شدت تأثیرگذاری بالاتر شامل ارجاع محیط به مفاهیم فرهنگی، اجتماعی و ارزشی است که ورای کاربردهای روزمره هستند. نتیجه مطالعاتی که بر روی معنی محیط‌های ساخته‌شده، با این رویکرد صورت گرفته، نشان می‌دهد که معانی سطح بالا که ارجاع محیط را به جهان‌شناسی، اسکیمای فرهنگی، نگرش به جهان، نظام‌های فلسفی و ... در بر می‌گیرند، غالباً در فضاهای روزمره غایب بوده و یا اثر آنها در اهداف ارزش‌ها، مقاصد و فعالیت‌های روزمره افراد پنهان می‌شود (Coolen, 2006: 199).

ارزش مساوی بین سطوح و انواع مختلف معنی، خصلت دسته دوم رویکردهاست که طبقه‌بندی‌های معنی توسط هرشبرگر و «گیفورد» از آن جمله‌اند (Gifford, 1987: 61-64; Hershberger & Cass, 1974: 148). در این رویکردها، هرچند معنی دارای لایه‌های مختلف است، اما این لایه‌ها دارای سلسله‌مراتب عرضی بوده و مخاطب عام قادر به ادراک تمامی لایه‌های آنهاست. آنچه در این نوع طبقه‌بندی حائز اهمیت است، وجود لایه عاطفی معنی در کنار دو لایه عملکردی و فراعلمکردی است. روند شکل‌گیری این عاطفه، یک تجربه شخصی است که موجب گره‌خوردن هویت فردی و شخصیت فرد با معنی محیط شده و با ایجاد حس تعلق و تجربه عمیق عضوی از محیط بودن مرتبط است (Gifford, 1987: 62). با این حال، معنی عاطفی محیط لزوماً یک تجربه مثبت نیست، بلکه طبق تحقیق «مانزو» (۲۰۰۵)، انسان در محیط، تجارب منفی یا دووجهی نیز دارد و این تجارب باعث شکل‌گیری روابط عاطفی منفی یا دووجهی بین انسان و محیط شده و در شکل‌گیری معنی محیط مؤثرند (Manzo, 2005: 67-82). بنابراین، معنی، به جز انتقال عملکرد محیط و ارزش‌های فرهنگی اجتماعی مشترک آن که توسط گروه‌های مخاطب

یافته‌ها

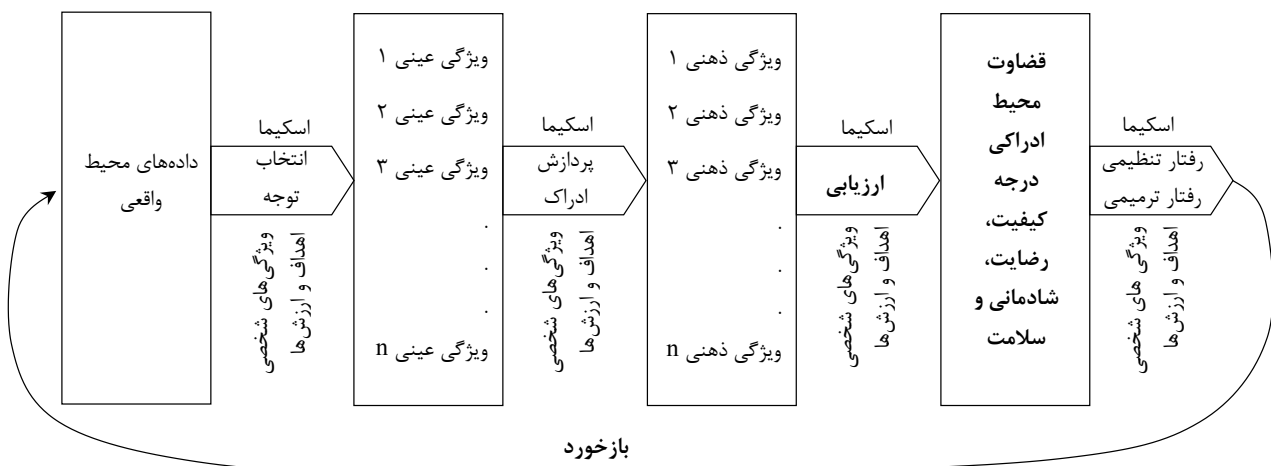
نشان می‌دهد که ترکیب کالبدی عینی یک ساختمان بر ویژگی‌های شناختی استخراج شده توسط ناظر تأثیر می‌گذارد و سپس این ویژگی‌های شناختی، قضاوت ناظر درباره کیفیت معماری ساختمان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

ادراک و شناخت معنی نیز مانند قضاوت کیفیت در روند مواجهه انسان با محیط رخ می‌دهد. فرد بر اساس پیش‌زمینه ذهنی و انتظاری که از محیط دارد، محرکه‌های آن را دریافت می‌کند و تشخیص می‌دهد و بدین ترتیب نحوه استفاده، عملکرد و هدف محیط را ادراک می‌کند که لایه معنی عملکردی را می‌سازند. ارجاعات محیط به ارزش‌های فرهنگی اجتماعی مشترک بین گروه‌های مخاطبان نیز در همین مرحله صورت می‌پذیرد. این ارجاعات به ارزش‌های عملکردی و فراعلمکردی، موجب برانگیخته شدن احساسات نسبت به آن و قضاوت آن بر اساس ارزشی که دارد، شده و در نهایت، واکنش رفتاری نشان داده می‌شود. بدین ترتیب، روند ادراک و شناخت معنی بر اساس مدل چرخه ادراکی (Neisser, 1976: 21) و مدل ادراک و شناخت معنی (Hershberger, 1970: 42) در تصویر ۲ تدوین شده است. لازم به ذکر است که سه لایه معنی، لزوماً به ترتیب و پشت‌سرهم ایجاد نمی‌شوند، بلکه می‌توانند به صورت همزمان و در چرخه‌های متفاوتی شکل بگیرند. در تصویر ۲ این روند، خطی نشان داده شده تا تمایز مفهومی بین لایه‌های معنی محیط بهتر معلوم شود.

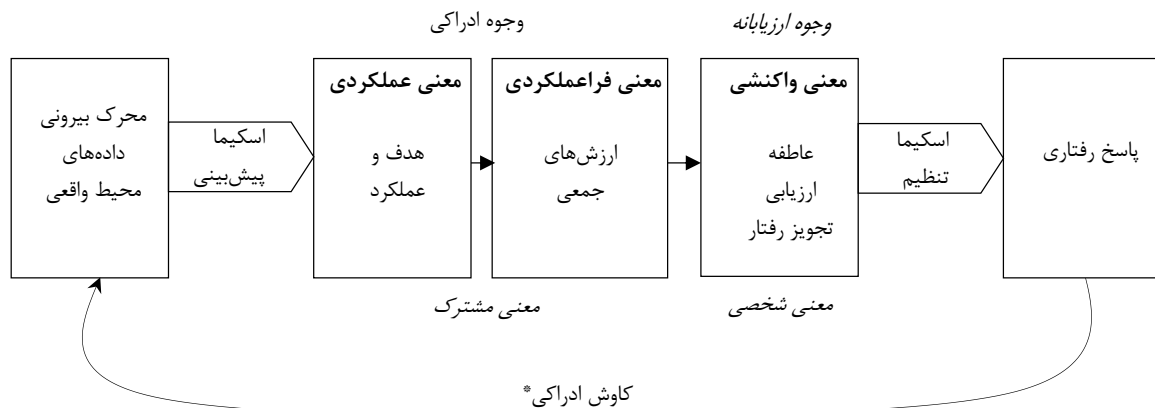
لایه‌های معنی، هر دو وجه ادراک و ارزیابی (یا قضاوت) محیط را در بر می‌گیرند. با ادراک معانی عملکردی و فراعلمکردی، قضاوت محیط در لایه معنی عاطفی شکل می‌گیرد. معنی عاطفی، ارزیابی مخاطب از مفاهیمی را نشان می‌دهد که در دو لایه دیگر معنی ادراک شده‌اند. توضیح کارکردهای ذهن انسان توسط «یونگ» نیز چنین

کیفیت، ادراک کل لایه‌های اثر و ارتباط آنها با یکدیگر است. استفاده از مفهوم کیفیت در داوری مسابقات معماری و نیز روند کنترل کیفیت، بیانگر آن است که کیفیت نتیجه نهایی فرایند طرح و تولید فضا و ادراک و شناخت آن است که به شکل قضاوت و ارزشیابی بروز می‌یابد. ویژگی‌های عینی و ذهنی کیفیت در سه وجه فرم، کارکرد و ساخت محیط تجسم می‌یابند، اما در نهایت کیفیت، تصویری کلی و جامع از این وجوه مختلف است. به عبارت دیگر، هیچ‌کدام از این وجوه به تنهایی، کیفیت محیط را نشان نمی‌دهند، بلکه کیفیت، نتیجه و حاصل وحدت تمامی این لایه‌ها با یکدیگر است. ارزیابی مخاطب از کیفیت محیط، دارای بار ارزشی است، میزان خوبی محیط را تعیین می‌کند و بر رضایت فرد از محیط و در نتیجه رضایت او از زندگی مؤثر است.

بدین ترتیب، روند ارزشیابی کیفیت از ویژگی‌های عینی محیط آغاز می‌شود که شخص آنها را بر اساس ذهنیت، اهداف و ارزش‌های خود (اسکیما) ادراک و ارزیابی می‌کند. بر پایه این ارزشیابی، وی هم رفتار خود را تنظیم می‌کند و هم می‌تواند در جهت ترمیم و بهتر شدن کیفیت محیط، فعالیتی نشان دهد که موجب تنظیم و تغییر در ویژگی‌های عینی و به کارافتادن دوباره این روند شود. تصویر ۱، مدل پیشنهادی این مقاله را برای توضیح این روند نشان می‌دهد که بر اساس سه مدل بنا شده است: مدل ادراک محیط از گیفورد و همکاران (۲۰۰۲) که مبتنی بر مدل عدسی «برانزویک»^۵ (۱۹۵۲) است (Gifford, Hine, Muller-Clemm & Shaw, 2002: 133)؛ مدل رضایت از محیط مسکونی از «آمریگو» و «آراگونس» (Amerigo & Aragones, 1997: 48)؛ و مدل رابطه بین رضایت از محیط و رضایت از زندگی از «کمیل»، «کانورس» و «راجرز»^۶ (Marans, 2003: 75) (۱۹۷۶). این مدل



تصویر ۱. چرخه ادراک محیط، قضاوت کیفیت و تغییر محیط. مأخذ: نگارندگان.



* زمانی که اسکیمای فرد بر مبنای اطلاعات موجود در محیط، تنظیم می‌شود، به کاوش ادراکی (Perceptual Exploration) می‌پردازد تا اطلاعات جدیدی را از محیط دریافت کند. این روند متداوم دریافت اطلاعات، تنظیم اسکیمای کاوش ادراکی، اساس چرخه ادراکی پیشنهاد شده توسط نایسر (۱۹۷۶) را تشکیل می‌دهد.

تصویر ۲. چرخه ادراک و شناخت معنی. مأخذ: نگارندگان.

ادراکی موارد ظاهری به این دلیل که قابل ردیابی توسط دستگاه‌های الکتروفیزیولوژیکی هستند، با چرخه ادراک معنی که توسط این دستگاه‌ها ردیابی نمی‌شود، متفاوت است (Neisser, 1976: 17). در جدول ۱ نیز لایه‌های معنی و عوامل معناشناسانه که از پژوهش‌های مختلف محیطی استخراج شده با شاخص‌های کیفیت محیط در دو وجه عینی و ذهنی با هم تطبیق داده شده که نشان می‌دهد انواع مختلف معنی محیط نمی‌توانند زیرمجموعه خصوصیات ظاهری آن قرار بگیرند. بنابراین، مشابهت و درهم‌تنیدگی مفاهیم کیفیت و معنی از وجه ذهنی کیفیت آغاز می‌شود و در این وجه است که عوامل معناشناسانه با شاخص‌های کیفیت محیط مشابهت پیدا می‌کنند.

مطابقت لایه‌های معنی با شاخص‌های کیفیت معنی محیط به مفهوم معادل بودن این دو با یکدیگر نیست. در جستجوی پاسخ سؤال دوم پژوهش، جایگاه این دو تصور در قالب روند ادراک و شناخت محیط تعیین و مقایسه می‌شود. جایگاه کیفیت در روند مواجهه با محیط (تصویر ۱) نشان داد که کیفیت ذهنی یک نوع قضاوت است و در مرحله‌ای پس از ادراک خصوصیات محیط و ارزیابی آنها بر اساس اهداف مخاطب شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، کیفیت کارکردی به این موضوع می‌پردازد که آیا یک عنصر به اهداف کارکردی مورد انتظار مخاطب پاسخ می‌دهد؟ مثلاً آیا این صندلی برای راحت‌نشستن مناسب است؟ جواب این سؤال، درجه‌ای از مناسب بودن است و یک نوع ارزشیابی را مشخص می‌کند. به عبارت دیگر کیفیت، از چگونگی می‌پرسد، اما معنی لزوماً نوعی قضاوت نیست و قبل از چگونگی، از چیستی یک عنصر سؤال می‌کند. برای مثال، فهم معنی کارکردی یک عنصر، فهم این است که آن عنصر چه کارکردی دارد؟ جواب این سؤال معلوم می‌کند که مثلاً آیا این صندلی برای نشستن

دسته‌بندی را تصریح می‌کند. بر اساس آن، پس از اینکه اطلاعات محیط توسط حس یا مکاشفه (وجوه ادراکی) دریافت شدند، شخص از طریق یکی از وجوه تفکر و یا احساس (وجوه قضاوت) در قبال محیط تصمیمی اتخاذ می‌کند (Jung, 1946: 14). در روند نشان‌داده‌شده در تصویر ۲ می‌توان جایگاه عوامل معناشناسانه را نیز معلوم کرد. آنجا که این توصیف‌کننده‌های محیطی، ارزیابی و قضاوت مخاطبان از محیط را نشان داده و دارای بار ارزشی هستند، در وجه ارزیابانه معنی جای می‌گیرند. به طور کلی، استفاده از این عوامل برای اندازه‌گیری معنی و پیش‌بینی خوب بودن محیط بر این موضوع صحت می‌گذارد که آنها برونداد وجه قضاوت یا واکنشی معنی هستند.

بحث

پاسخ به سؤال اول پژوهش، نیازمند تطبیق وجوه کیفیت و معنی محیط است. در وهله اول، وجه عینی کیفیت که ویژگی‌های ظاهری و فرمی یک محیط را در بر می‌گیرد، قابل مقایسه با هیچ یک از وجوه عملکردی، فراعلمکردی و واکنشی معنی نیست. با این حال، هرشبرگر در تعریف لایه‌های معنی محیط، تجسم و بازنمایی ذهنی از ویژگی‌های عینی یک عنصر مانند تشخیص فرم، اندازه، مقیاس و موقعیت را لایه معنی ظاهری^۷ معرفی کرده (Hershberger & Cass, 1974: 149) که توسط «پچل» نیز به معنی صریح^۸، در مقابل معنی ضمنی یا معنی ارجاعی^۹، تعبیر شده است (Bechtel, 1976: 110). قراردادن معنی ظاهری در میان لایه‌های معنی محیط بر این اساس است که انتخاب هر ویژگی عینی به عنوان محرک و توجه به آن، نیازمند مداخله اسکیمای است، بنابراین روند ادراک را به کارانداخته و آن ویژگی عینی را تبدیل به ویژگی ذهنی می‌کند. اما مطالعات «نایسر» نشان می‌دهد که چرخه

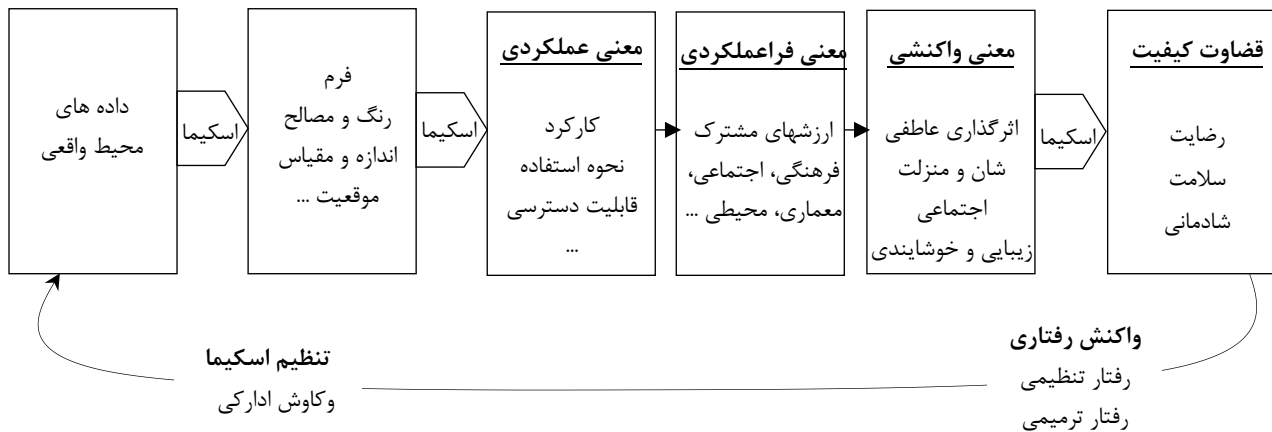
جدول ۱. تطبیق وجوه و لایه‌های کیفیت با وجوه و لایه‌های معنی. مأخذ: نگارندگان.

معنی		کیفیت*	
لایه‌ها	وجوه	لایه‌ها	وجوه
		<ul style="list-style-type: none"> • سختی، رنگ (Bechtel, 1976) • چگونگی، حالت و وضع (لغت‌نامهٔ دهخدا؛ Merriam-Webster Dictionary) • سیما و ظاهر فرمی، رنگ، مصالح (Van der Voordt, 2009) • مصالح (Rönn, 2011) 	<p>ی</p>
		<ul style="list-style-type: none"> • کارایی، کارکرد، قابل استفاده بودن (Gann, Salter & Whyte, 2003; Van der Voordt, 2009; Rönn, 2011) • قابلیت دسترسی (Gann, Salter & Whyte, 2003) • عملکردها مانند تسهیلات رفاهی، تفریحی، تجاری و حمل‌ونقل (Bonaiuto, Fornara & Bonnes, 2003) 	
	<ul style="list-style-type: none"> • اهداف کاربردی (یونگ، ۱۳۵۲) • هدف، عملکرد و نحوهٔ استفاده (Hershberger & Cass, 1974; Gifford, 1987) • ویژگی‌های عملکردی (Groat, 1982) • عملکرد و هدف محیط شامل قابلیت دسترسی، میزان نفوذپذیری، سازمان نشستن، حرکت، پیدا کردن راه (Rapoport, 1982) 		<p>ع</p>
		<ul style="list-style-type: none"> • معنای نمادین و اسطوره‌ای (یونگ، ۱۳۵۲) • ارتباط شامل روش انتقال مفاهیم فلسفی، معماری، اجتماعی یا سیاسی (Gifford, 1987) • جهان‌شناسی، اسکیمای فرهنگی، نگرش به جهان، نظام‌های فلسفی و مقدس (Rapoport, 1982) • صرفه‌جویی در انرژی (Groat, 1982) 	
		<ul style="list-style-type: none"> • ایستایی، کیفیت ساخت (Gann, Salter & Whyte, 2003; Van der Voordt, 2009; Rönn, 2011) • توجیه اقتصادی (Van der Voordt, 2009) • پایداری (Van der Voordt, 2009; Rönn, 2011) • هماهنگی با زمینه (Carmona, 2001) 	
		<ul style="list-style-type: none"> • زیبایی، اثرگذاری (Gann, Salter & Whyte, 2003; Rönn, 2011) • خوشایندی، جذابیت، برانگیختگی، محسوسیت (Marans & Spreckelmeyer, 1982) • حس مکان، حس اجتماع، تنوع، منحصر به فرد بودن، نوآوری، فضا مندی (Carmona, 2001) • پیچیدگی، وضوح، آشنایی، اصالت، نیرومندی (Gifford, et al., 2002) • نیرومندی، فعالیت، خوب بودن (Bechtel, 1976) • نگهداری خوب (Bonaiuto, Fornara & Bonnes, 2003; Gann, Salter & Whyte, 2003) 	<p>د</p>
	<ul style="list-style-type: none"> • منحصربه‌فرد بودن، آشنایی (Groat, 1982) • حس تعلق، حس مکان (Sixsmith, 1986; Gifford, 1987; Kopek, 2006) • شادمانی، احساس مسئولیت، خلوت، تمایل به بازگشت (Sixsmith, 1986) • هویت فردی (Sixsmith, 1986; Rapoport, 1982; Kopek, 2006) • اثرگذاری عاطفی (Sixsmith, 1986; Küller, 1973) • شأن و منزلت اجتماعی (Küller, 1973; Rapoport, 1982; NasarandKang, 1999) • نیرومندی (Osgood, Suci & Tannenbaum, 1957; Küller, 1973; Hershberger & Cass, 1974; Rapoport, 1982) • فعالیت (Osgood, Suci & Tannenbaum, 1957; Hershberger & Cass, 1974) • خوشایندی، اصالت و نوآوری (Hershberger, 1970; Küller, 1973) • پیچیدگی، وحدت، فضا مندی (Küller, 1973) • ارزیابی عمومی، ارزیابی تسهیلات، ارزیابی زیبایی، حس فضا، مرتب بودن و تمیزی، دما و نور (Hershberger & Cass, 1974) 		<p>و</p>

* عامل معناداری که در ادبیات کیفیت محیط به عنوان یکی از عوامل کیفیت نام برده شده (گلکار، ۱۳۷۹)؛ (Carmona, 2001; Gifford, Hine, et al., 2002)؛ (Van Kamp, et al., 2003; Van der Voordt, 2009) در این جدول نیامده است تا امکان مقایسهٔ دو مفهوم ایجاد شود.

وجود داشته باشد. پس با اینکه کیفیت حتماً نوعی قضاوت ارزشی را نشان می‌دهد، اما معنی، نتیجهٔ ادراک و شناخت است و لزوماً به سطح قضاوت نمی‌رسد. با توجه به خصلت ارزشیابانهٔ کیفیت و جایگاه آن در روند مواجهه با محیط (تصویر ۱) می‌توان چنین نتیجه گرفت که در ستون کیفیت جدول ۱ نیز ترکیب تمامی لایه‌ها به کیفیت ذهنی می‌انجامد. این موضوع با تعاریف عنوان شده

است یا تزئین و نمایش؛ آیا برای راحت نشستن است یا برای مطالعه. انتظار و پیش‌بینی مخاطب در مورد این کارکرد، البته می‌تواند معنی را تا حدودی دستخوش تغییر سازد، اما لازم نیست که قضاوتی در مورد آن چیز صورت بگیرد تا معنی آن برای مخاطب معلوم شود. روند ادراک و شناخت معنی در تصویر ۲ نیز نشان داد که معنی می‌تواند کاملاً مجزا و مستقل از سطح قضاوت آن، که معنی عاطفی می‌خوانیم،



تصویر ۳. کیفیت در نتیجه شناخت وجوه و لایه‌های مختلف معنی، ظهور پیدا می‌کند. مأخذ: نگارندگان.

از سوی دیگر، همین عامل معناشناسانه به این دلیل که در وجه عاطفی معنی قرار دارد، جزء ویژگی‌های ذهنی کیفیت هم قرار می‌گیرد. برای مثال، در اندازه‌گیری میزان عامل پیچیدگی برای یک محیط خاص مانند فضای خانه، درجه مطلوب بودن پیچیدگی آن فضا نیز قابل تعیین است. همین عامل به عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت محیط هم مورد ارجاع قرار می‌گیرد، اما در تعیین درجه کیفیت فضای آن خانه، ترکیبی از پیچیدگی و سایر عوامل معناشناسانه به همراه کارایی، خوشایندی بصری و عوامل دیگر هستند که اندازه نهایی کیفیت آن محیط را تعیین می‌کنند. بنابراین گرچه عوامل معناشناسانه مانند کیفیت، خصلتی ارزیابانه دارند اما در سنجش کیفیت، به عنوان یک جزء که در ترکیب با دیگر اجزاء به هدف می‌رسد نیز کاربرد دارند.

نتیجه‌گیری

بحثی که تاکنون ارائه شد، نشان می‌دهد که کیفیت، خروجی و ظهور وجوه معنایی است که مخاطب در مواجهه با محیط شناسایی می‌کند. بدین ترتیب، منطقی استفاده از عاملی به نام معناداری یا معنی به عنوان یکی از چندین عامل مؤثر بر کیفیت و همچنین نگاه به کیفیت به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های معنی صحیح نیست. اما باید توجه کرد زمانی که معنی به عنوان یک شاخص کیفیت مطرح می‌شود، غالباً وجه فراعلمکردی معنی، شامل ارجاع محیط به ارزش‌های مشترک بین گروه‌های مخاطبان مدنظر قرار دارد، در حالی که سایر شاخص‌های معرفی شده برای کیفیت هم با عوامل معنی در وجه عملکردی و عاطفی معادل قرار می‌گیرند. به طور مشابه، قراردادن کیفیت در زیرمجموعه معنی نشان از توجه صرف به کیفیت عینی و ویژگی‌های ظاهری داشته و تنها زمانی رخ می‌دهد که بازنمایی ویژگی‌های فرمی محیط در ذهن مخاطب، به عنوان لایه‌ای از معنی محسوب می‌شود.

در بخش اول مبنی بر اینکه کیفیت، مجموع تمامی این لایه‌ها با یکدیگر بوده و دارای ارزش افزوده‌ای است که از جمع ارزش‌های وجوه فراتر می‌رود نیز هماهنگ است. اما همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شد، هر وجه، خود یک نوع معنی است که در تعامل انسان و محیط ادراک و شناخته می‌شود. حال می‌توان از این استدلال برای تعیین رابطه وجوه معنی و کیفیت در روند ادراک محیط استفاده کرد: وجوه معنی با وجه ذهنی کیفیت تطابق دارند. با توجه به این که هر وجه «معنی»، خود یک نوع معنی متمایز است، در حالی که «کیفیت» حاصل ترکیب تمامی لایه‌های آن است، پس می‌توان نتیجه گرفت که قضاوت کیفیت، خروجی ادراک و شناخت لایه‌های مختلف معنی است. به عبارت دیگر، شناخت معانی عملکردی، فراعلمکردی و عاطفی یک محیط است که منجر به ظهور کیفیت آن می‌شود.

تصویر ۳ این نتیجه‌گیری را در قالب روند مواجهه انسان و محیط ارائه می‌کند. این تصویر، همچنین تطبیقی از دو تصویر ۱ و ۲ است که جایگاه وجوه کیفیت و معنی را در روند ادراک محیط نشان می‌دادند. بر اساس این تطبیق، سه وجه معنی محیط در بخش ویژگی‌های ذهنی کیفیت جای می‌گیرند و در ترکیب با ویژگی‌های عینی کیفیت، کلیت مورد نیاز برای قضاوت نهایی درجه کمال محیط را فراهم می‌آورند.

جدول ۱ و روند ارائه شده در تصویر ۳، زمینه تحلیل سؤال سوم پژوهش یعنی جایگاه عوامل معناشناسانه در ارزیابی کیفیت محیط را نیز فراهم می‌آورند. عوامل معناشناسانه، در وجه عاطفی معنی قرار می‌گیرند که ارزیابی مخاطب نسبت به معانی عملکردی و فراعلمکردی محیط و چگونگی اثرگذاری این معانی بر عاطفه فرد را توصیف می‌کنند. بنابراین هر عامل معناشناسانه در اندازه‌گیری درجه خوبی محیط بر اساس مفهومی که متضمن آن است به کار می‌رود.

۳. اینکه بُعد ذهنی کیفیت چقدر به زمینه انتظارات فردی بستگی دارد و چقدر به زمینه عناصر موجود و واقعی بیرونی، در بین دیدگاه‌های مختلف متفاوت است که بررسی آنها در محدوده این پژوهش نمی‌گنجد. اما به طور خلاصه، به سه دیدگاه می‌توان اشاره کرد: ۱. دیدگاه مقایسه‌ای: رضایت یا ادراک کیفیت را محصول مقایسه شرایط مختلف می‌داند- مقایسه بین شرایط قبل و بعد از تغییر، مقایسه بین شرایط موجود با شرایط ایده‌آل، مقایسه بین شرایط خود با شرایط دیگران؛ ۲. دیدگاه فولکلور: فرض می‌کند که رضایت بیشتر، محصول جهت‌گیری فرد است تا ویژگی‌های واقعی موجود و ۳. نظریه قابلیت زندگی نشان می‌دهد که تفاوت‌ها در شادمانی افراد با شرایط واقعی محیط مرتبط است (Van kamp, et al., 2003: 14).

فهرست منابع

- گلکار، کورش. (۱۳۷۹). مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری. صفحه، (۳۲): ۳۸-۶۵.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۵۲). *انسان و سمبل‌هایش*. ت: محمود سلطانیه. تهران: جامی.
- Amerigo, M. & Aragonés, J. I. (1997). A Theoretical and Methodological Approach to the Study of Residential Satisfaction. *Environmental Psychology*, (17): 47-57.
- Bonaiuto, M., Fornara, F. & Bonnes, M. (2003). Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighbourhood Attachment in Urban Environments: a confirmation study on the city of Rome. *Landscape and Urban Planning*, (65): 41-52.
- Carmona, M. (2001). *Housing Design Quality: Through Policy, Guidance, and Review*. London: Taylor & Francis Routledge.
- Clapham, D. (2011). The Embodied Use of the Material Home: an Affordance Approach. *Housing, Theory and Society*, 28 (4): 360-376.
- Coolen, H. (2006). The Meaning of Dwellings: an Ecological Perspective. *Housing, Theory and Society*, 23 (4): 185-201.
- Cousins, M. (2009). *Design Quality in New Housing: Learning from the Netherlands*. Abingdon, Oxon: Taylor & Francis.
- Gann, D. M., Salter, A. J. & Whyte, J. K. (2003). Design Quality Indicators: a tool for thinking. *Building Research & Information*, 5 (31): 318-333.
- Gifford, R. (1987). *Environmental Psychology: Principles and Practice*. Massachusetts: Allyn and Bacon.
- Gifford, R., Hine, D. W., Muller-Clemm, W. & Shaw, K. T. (2002). Why Architects and Laypersons Judge Buildings Differently: Cognitive Properties and Physical Bases. *Architectural and Planning Research*, 19 (2): 131-148.
- Groat, L. (1982). Meaning in Post-Modern Architecture: An Examination Using the Multiple Sorting Task. *Environmental Psychology*, (2): 3-22.
- Groat, L. & Wang, D. (2013). *Architectural Research Methods* (2nd ed.). New Jersey: John Wiley & Sons.
- Harré, R. (2002). Material Objects in Social Worlds. *Theory, Culture & Society*, 19 (5/6): 23-33.
- Hershberger, R. G. (1970). Architecture and Meaning. *Aesthetic Education*, 4 (4): 37-55.

بر اساس مقایسه وجوه معنی و کیفیت و جایگاه آنها در روند مواجهه با محیط، می‌توان ابهاماتی را که در فهم و کارکرد عوامل این دو تصور وجود دارند نیز تا حدودی روشن کرد. استفاده از عوامل معناشناسانه برای اندازه‌گیری کیفیت بر این مبناست که هر دو با قضاوت مخاطب نسبت به محیط ارتباط دارند. به عبارت دیگر، عوامل معناشناسانه درصدد پاسخگویی به این سؤال هستند که آیا یک محیط مشخص خوب است؟ این موضوع دقیقاً همان هدف ارزیابی کیفیت یک محیط است. اما قابل توجه است که اگرچه هر عامل معناشناسانه می‌تواند در ارزیابی یک نوع معنی محیط به کار رود، ولی قادر نیست به تنهایی درجه کیفیت آن فضا را تعیین کند. به بیانی دیگر، اندازه‌گیری هر عامل معناشناسانه، تنها وضعیت یکی از ویژگی‌های ذهنی کیفیت محیط را نشان می‌دهد، نه درجه کمال آن را.

ابهام دیگری که در مورد رابطه معنی و کیفیت وجود دارد، از تعاریفی ناشی می‌شود که کیفیت را ویژگی خوب یک چیز معرفی می‌کنند. همچنین بحث این مقاله نیز دال بر این است که قضاوت کیفیت محیط، تعیین میزان خوبی آن است. از سوی دیگر، معنی می‌تواند منفی باشد و همیشه لزوماً مثبت نیست. زمانی که محیط یا عنصری را با کیفیت می‌خوانیم به خوب بودن آن اشاره می‌کنیم و در مقابل آن، بی کیفیت بودن، تداعی بد بودن و ایجاد مزاحمت و ناراضی برای فرد دارد. به همین دلیل است که قضاوت در مورد کیفیت با مفهوم رضایتمندی گره خورده است. بنابراین گرچه لزوماً وجه عینی کیفیت یک محیط (به معنی خصوصیات برجسته آن)، به خوب بودن دلالت نمی‌کند، اما در حوزه معماری و در حصول رضایت مخاطب، با کیفیت بودن و کیفیت داشتن به آن کیفیت ذهنی‌ای دلالت دارد که معادل با درجه‌ای از خوب بودن است. در مقابل آن، در مورد تصور معنی، همان‌طور که قضاوت از لازمه‌های معنی نیست، خوب بودن یا بد بودن معنی عاطفی نیز مترادف با معنی بودن یا بی معنی بودن یک محیط نیست. حال اگر معنی محیط در سطح واکنشی منجر به قضاوت مثبت مخاطب شود و بار عاطفی و ارزشیابانه آن به سمت خوبی میل کند، می‌توان محیط را با کیفیت یا دارای کیفیت خوب خواند و اگر واکنش مخاطب نسبت به محیط منفی باشد، محیط، کم کیفیت یا بی کیفیت ارزیابی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. Semantic Differentials

۲. این ابهام در مورد دو تصور معنی و کارکرد نیز وجود دارد: در حالی که نظریه پردازانی مانند گیفورد (۱۹۸۷) و هرشبرگر (۱۹۷۴)، کارکرد بنا را یکی از وجوه معنی آن دانسته‌اند (Gifford, 1987: 52; Hershberger & Cass, 1974: 152-153)، محققین دیگری که از زاویه مفهوم کارکرد به رابطه انسان و محیط نگریسته‌اند، معنی را زیرمجموعه کارکرد محیط قرار داده‌اند (Hillier & Leaman, 1976: 30).

- Hershberger, R. G. & Cass, R. (1974). *Predicting the meaning of architecture*. In *Designing for human behavior: Architecture and the behavioral sciences*. Edited by Lang, J., Burnette, C., Moleski, W. & Vachon, D. Pennsylvania: Dowden, Hutchinson and Ross.
- Hillier, B. & Leaman, A. (1976). Architecture as a discipline. *Architectural Research*, 5 (1): 28-32.
- Jung, C. G. (1946). *Psychological Types*. Translated from German by H. G Baynes. London: T. and A. Constable LTD.
- Keles, R. (2012). The quality life and the environment. *Procedia- Social and Behavioral Sciences*, (35): 23-32.
- Kopek, D. (2006). *Environmental Psychology for Design*. New York: Fairchild Publications, Inc.
- Küller, R. (1973). Beyond semantic measurement. *Architectural Psychology. Proceedings of the Lund Conference*. Sweden: Dowden, Hutchinson & Ross.
- Manzo, L. C. (2005). For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning. *Environmental Psychology*, (25): 67-86.
- Marans, R. W. & Spreckelmeyer, K. F. (1982). Measuring Overall Architectural Quality: A component of building evaluation. *Environment and Behavior*, 14 (6): 652-670.
- Marans, R. W. (2003). Understanding Environmental Quality Through Quality of Life Studies: the 2001 DAS and its use of subjective and objective indicators. *Landscape and Urban Planning*, (65): 73-83.
- Neisser, U. (1976). *Cognition and reality: Principles and implications of cognitive psychology*. San Francisco: W. H. Freeman and company.
- Nelson, C. (2006). *Managing Quality in Architecture: A Handbook for Creators of the Built Environment*. Oxford: Architectural Press .
- Ogden, C. K. & Richards, I. A. (1994). *The meaning of meaning*. London: Routledge/ Thoemmes Press.
- Osgood, C. E., Suci, G. J. & Tannenbaum, P. H. (1957). *The Measurement of Meaning*. Illinois: University of Illinois Press.
- Pena, W. M. & Parshall, S. A. (2001). *Problem Seeking: an architectural programming primer*. New York: John Wiley & Sons, Inc.
- Rapoport, A. (1982). *The Meaning of the Built Environment: A Nonverbal Communication Approach*. Arizona: Sage Publications .
- Rönn, M. (2011). Architectural Quality in Competitions: A dialogue based assessment of design proposals. *FORMakademisk*, 4 (1): 100-115.
- Sixsmith, J. (1986). The Meaning of Home: An Exploratory Environmental Experience. *Environmental Psychology*, (6): 281-298.
- Van der Voordt, T. J. M. (2009). Quality of design and usability: a vetruvian twin. *Ambiente Construido, Porto Alegre*, 9 (2): 17-29.
- Van kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G. & De Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being: Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and Urban planning*, (65):5-18.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

رحمانی، سارا و ندیمی، حمید. (۱۳۹۸). تأملی در کیفیت و معنی محیط. باغ نظر، ۱۶ (۷۱): ۶۰-۵۱.

DOI: 10.22034/bagh.2019.86873

URL: http://www.bagh-sj.com/article_86873.html

